

140704

DİA

**NÂİNÎ**

**Madde Yayınlandıktan Sonra Gelen Doküman**

**21.08.2017**

Goli Zavāre, Gholām Rezā

An introduction to a Safavid work of Kalām (locution) and its author .-- 2006 : Anthology of Iranian Studies / Majmū'ah-i Maqālāt-i Mutāla'āt-i Īrānī, vol. 9 pp. 67-82, (2006)

Theology; Nā'inī, Mīrzā Rafī' al-Dīn

خود، حسن خان را، که بعدها به «مدحت السلطنه» ملقب شد، به میرزا نصرالله خان واگذار کرد (مردی که نگه داری از طفلی از اطفال اعیان را بر عهده گیرد لگه گویند). در آن مدت اعتماد نایب‌الوزاره را جلب کرد و به همین سبب نایب‌الوزاره او را با سمت منشی کارگزاری وارد خدمت دولتی کرد (بامداد، همان، ص ۳۵۱-۳۵۲؛ دایرةالمعارف فارسی، ذیل «مشیرالدوله»؛ چرچیل، ص ۱۶۸).

در ۱۲۸۹ ق، میرزا نصرالله خان، دختر حاج میرزا علی مشکوةالملک را برای خود خواستگاری کرد، اما حاجی میرزا علی او را هم شأن خود نمی دانست و از وصلت دختر خود با او خودداری کرد. نایب‌الوزاره با شنیدن این خبر پادرمیانی کرد و سرانجام، با اصرار فراوان، دختر حاج میرزا علی را برای میرزا نصرالله خان به زنی گرفت (بامداد، همان جا).

میرزا ابراهیم خان نایب‌الوزاره، در ۱۲۹۳ ق، در تبریز درگذشت و در وصیت‌نامه خود کفالت همسر و فرزندش را به دوست نزدیک خود، میرزا سعیدخان مؤتمن‌الملک، وزیر خارجه وقت، سپرد. میرزا سعیدخان هم از میرزا نصرالله خان، منشی کارگزاری، خواست که خانواده میرزا ابراهیم خان را به تهران منتقل کند. او نیز آنان را به تهران برد و نزدیک خانه‌های میرزا سعیدخان منزل داد. اغلب روزها، میرزا سعیدخان برای احوال‌پرسی همسر و فرزند میرزا ابراهیم خان به منزل آنان می‌رفت. میرزا نصرالله خان هم از خوش خدمتی فروگذاری نمی‌کرد و هر روز تا در وزارتخانه او را همراهی می‌کرد (همان، ص ۳۵۳).

روزی میرزا نصرالله خان شیرازی، معروف به دبیرالملک، که در آن وقت منشی بود، به سبب کمی مواجب سر خدمت نیامد، میرزا سعیدخان علت

میرزا نصرالله خان مشیرالدوله نائینی، ملقب به «مشیرالملک»، «مصباح‌الملک» و «مشیرالدوله»، از رجال نامدار اواخر عهد ناصرالدین شاه و عهد مظفرالدین شاه قاجار است.

پدرش آقامحمد نام داشت و جدش حاج عبدالوهاب نائینی از عرفای مشهور زمان خود بود (بامداد، ج ۴، ص ۳۵۱).

تاریخ تولد وی به درستی دانسته نیست. دوران کودکی تا جوانی میرزا نصرالله خان با رنج و سختی همراه بود. به گونه‌ای که خواهرش، پس از فوت پدر، برای امرار معاش، بیاض‌های دعا، به خط نسخ، می‌نوشت و میرزا نصرالله خان آنها را از نائین به تهران و به خانه‌های اعیان می‌برد و می‌فروخت. میرزا نصرالله، پس از جمع‌آوری وجوهی از این بابت، به نائین بازمی‌گشت. یک سال برای فروش بیاض‌های دعا به تهران رفت، اما کسی آنها را نخرید و او برای بازگشت به نائین پول نداشت. به ناچار، شاگرد دکانی شد و به گفته برخی، در ۱۲۸۷ ق، شاگرد قهوه‌خانه باغ ایلچی شد. پس از مدتی، دوباره به نائین رفت و با بیاض‌های دعا به تهران بازگشت. میرزا نصرالله خان مدتی مشغول به کتابت، یعنی کاغذنویسی، برای مردم شد و از این راه دستمزد مختصری به دست آورد (افشاری، ص ۲۹-۳۱). وی در خانه‌های اعیان و اشراف تهران رفت‌وآمد داشت و پس از چندی، در دستگاه میرزا عبدالوهاب خان شیرازی نصیرالدوله، که بعدها ملقب به آصف‌الدوله شد، با دریافت ماهیانه ۱۵ یا ۳۰ ریال استخدام شد. سپس، همراه میرزا ابراهیم خان تبریزی، که ابتدا از اعضای مهم کارگزاری آذربایجان بود و بعدها کارگزار و نایب‌الوزاره شد، به تبریز رفت. در تبریز میرزا ابراهیم خان، لگگی پسر

حمد رضا شمس اردکانی ve dğr.; تقویم تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و

ایران، (جلد دوم) تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۱ ISAM DN. 260936

140704 NAINI Muhammed Husayn

86-930/83

27 KASIM 1001

Micro- Nā'ini, Muḥammad Ḥusayn ibn 'Abd al-Raḥīm, 1860-  
fiche 1936.

86/  
59404

Tanbih al-ummah wa tanzih al-millah, yā, Ḥukūmat  
az naẓar-i Islām / ta'lif-i Muḥammad Ḥusayn Nā'ini  
bi'ḡamlmah, muqaddamah va pā ṣafḥah va tazkihāt /  
bi-qalam-i Maḥmud Ṭāliqāni. — Chāp-i 8. —  
[Tehran] : Shirkat-i Sihāmi-i Intishār, 1361  
(1982 or 1983)

17, 142 p. ; 22 cm.

In Persian; romanized record.

Cover title.

Includes bibliographical references.

(On the Islamic concept of a state)

کد پارسا: G1۵۸۹۵

✍️ نائینی، شیخ محمد حسین - دیدگاه‌ها - سیاسی؛ نوری، شیخ فضل الله - دیدگاه‌ها - سیاسی(تاریخ و جغرافی)

طالقانی، سید محمود(۱۲۸۶-۱۳۵۸)(ناقد و توصیف کننده)

✍️ «درآمدی بر تبیینی‌الامة و تنزیة الملة» (شماره ۵۳۳۴)

نائینی، شیخ محمد حسین - دیدگاه‌ها - سیاسی

عبدالرزاق، جعفر

✍️ «النائینی: شرعية الحكومة الملكية الدستورية» (شماره ۵۳۴۰)

نائینی، شیخ محمد حسین - دیدگاه‌ها - سیاسی

عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم(۱۳۲۰ - )

✍️ ۴۴۴۶- «نائینی در یک نگاه»- تبیان اندیشه: گزیده مقالات پژوهشی در شناخت

آرای آية الله العظمی میرزا محمد حسین غروی نائینی(شماره ۴۴۵۱)، ص ۲۷۹-۲۸۶، کتابنامه: ۲۸۶.

کد پارسا: G1۵۸۸۰

پیشینه برگرفته از کتاب فقه‌های نامدار شیعه، چاپ سوم، قم، دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۷۶ ص ۳۶۲-۳۷۱

✍️ نائینی، شیخ محمد حسین - زندگی‌نامه؛ نائینی، شیخ محمد حسین - آثار

کد پارسا: G1۵۸۸۹

پیشینه بر گرفته از طبقات اعلام الشيعة، مشهد، دار المرتضی، ۱۴۰۴ (ج) بخش دوم ص ۵۹۳-۵۹۶

✍️ نائینی، شیخ محمد حسین - زندگی‌نامه؛ نائینی، شیخ محمد حسین - دیدگاه‌ها - سیاسی

عمید زنجانی، عباسعلی(۱۳۱۶ - )

✍️ «آراء آية الله نائینی و کاربرد آن در نظام مشروطه» (شماره ۵۳۴۵)

نائینی، شیخ محمد حسین - دیدگاه‌ها - سیاسی

عمید زنجانی، عباسعلی(۱۳۱۶ - )

✍️ «مبانی حکومت در اندیشه سیاسی میرزای نائینی» (شماره ۵۳۴۶)

نائینی، شیخ محمد حسین - دیدگاه‌ها - سیاسی

امین، سید محسن(۱۲۸۲-۱۳۷۱ ق)

✍️ ۴۴۳۳- «شیخ الإسلام النائینی»- تبیان اندیشه: گزیده مقالات پژوهشی در شناخت

آرای آية الله العظمی میرزا محمد حسین غروی نائینی(شماره ۴۴۵۱)، ص ۳۶۷-۳۷۰.

کد پارسا: G1۵۸۹۱

پیشینه بر گرفته از اعیان الشيعة، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ج ۶ ص ۵۴-۵۵

✍️ نائینی، شیخ محمد حسین - زندگی‌نامه؛ نائینی، شیخ محمد حسین - آثار

انصاری، مهدی

✍️ ۴۴۳۴- «نائینی اندیشمند دین و سیاست»- سیری در آراء و اندیشه‌های نابغه

بزرگ حضرت آية الله میرزا محمد حسین غروی نائینی (مجموعه مقالات ارائه شده در همایش بزرگداشت)(شماره ۴۴۵۲)، ص ۲۹-۴۷، کتابنامه: ۴۶-۴۷.

کد پارسا: G1۵۸۹۴

✍️ نائینی، شیخ محمد حسین - دیدگاه‌ها - سیاسی

برجی، یعقوب علی

✍️ ۴۴۳۵- «نقد امام خمینی بر آرای اصولی نائینی»- تبیان اندیشه: گزیده مقالات پژوهشی در شناخت آرای آية الله العظمی

میرزا محمد حسین غروی نائینی(شماره ۴۴۵۱)، ص ۳۶۱-۳۶۳.

کد پارسا: G1۵۸۸۸

پیشینه بر گرفته از مجله آینه پژوهش (سال ۴، شماره ۵، بهمن - اسفند ۱۳۷۲) ص ۹-۱۵

✍️ نائینی، شیخ محمد حسین - دیدگاه‌ها - اصولی

بصیرت منش، حمید

✍️ ۴۴۳۶- «آية الله نائینی و سلطنت رضا شاه»- تبیان اندیشه: گزیده مقالات پژوهشی در شناخت آرای آية الله العظمی میرزا محمد حسین غروی نائینی(شماره ۴۴۵۱)، ص ۳۲۵-۳۳۰، کتابنامه: ۳۲۹-۳۳۰.

کد پارسا: G1۵۸۸۵

پیشینه بر گرفته از مجله قضايا اسلامية معاصرة (سال اول، ۱۴۱۸ ق) ص ۲۸۴-۲۹۹

✍️ نائینی، شیخ محمد حسین - دیدگاه‌ها - سیاسی

پیشینه

بر گرفته از مجله حوزه (سال ۵، ش ۶ بهمن و اسفند ۱۳۶۷) ص ۳۹-۴۳

کد پارسا: G1۵۸۸۲

پیشینه برگرفته از مجله حوزه (سال ۵، ش ۶ بهمن و اسفند ۱۳۶۷) ص ۳۹-۴۳

✍️ نائینی، شیخ محمد حسین - دیدگاه‌ها - سیاسی

مؤسسه چاپ و نشر عروج، ص ۲۲۲-۲۲۶

✍️ نائینی، شیخ محمد حسین - دیدگاه‌ها - سیاسی

بهشتی، احمد(۱۳۱۴ - )

✍️ ۴۴۳۷- «قانون اساسی و مجلس شورای ملی از دیدگاه میرزای نائینی»- سیری در آراء و اندیشه‌های نابغه بزرگ حضرت آية

الله میرزا محمد حسین غروی نائینی (مجموعه مقالات ارائه شده در همایش بزرگداشت)(شماره ۴۴۵۲)، ص ۳۶۵-۳۶۸، کتابنامه: ۴۲۰-۴۲۴.

کد پارسا: G1۵۸۹۰

✍️ نائینی، شیخ محمد حسین - دیدگاه‌ها - سیاسی

پرهام، باقر(۱۳۱۳ - )

✍️ «نگاهی به نظریات نائینی در باب حکومت و بنیاد مشروعیت قدرت سیاسی» (شماره ۵۲۶۷)

نائینی، شیخ محمد حسین - دیدگاه‌ها - فقهی

تقوی، محمد کاظم

✍️ ۴۴۳۸- «کنگره بزرگداشت آیت الله نائینی»- حکومت اسلامی، پیاپی ۱۷، ص ۴۸۸-۴۹۹، فارسی.

کد پارسا: A۲۶۵۹۳

✍️ نائینی، شیخ محمد حسین - دیدگاه‌ها؛ نائینی، شیخ محمد حسین - کنگره‌ها

ثقفی، سید محمد(۱۳۱۳-۱۴۰۵ ق)

✍️ «خط اعتدال در نهضت مشروطیت ایران» (شماره ۱۲۸۱)

نائینی، شیخ محمد حسین - دیدگاه‌ها - سیاسی

ثقفی، سید محمد(۱۳۱۳-۱۴۰۵ ق)

✍️ «الفکر السياسي عند الميرزا النائینی»- تبیان اندیشه: گزیده مقالات پژوهشی در شناخت آرای آية الله العظمی میرزا محمد حسین غروی نائینی(شماره ۴۴۵۱)، ص ۴۴۹-۴۶۴، کتابنامه: ۴۶۳-۴۶۴.

کد پارسا: G1۵۸۹۳

پیشینه بر گرفته از مجله قضايا اسلامية معاصرة (سال اول، ۱۴۱۸ ق) ص ۲۸۴-۲۹۹

✍️ نائینی، شیخ محمد حسین - دیدگاه‌ها - سیاسی

پیشینه

بر گرفته از مجله حوزه (سال ۵، ش ۶ بهمن و اسفند ۱۳۶۷) ص ۳۹-۴۳

کد پارسا: G1۵۸۸۲

پیشینه برگرفته از مجله حوزه (سال ۵، ش ۶ بهمن و اسفند ۱۳۶۷) ص ۳۹-۴۳

✍️ نائینی، شیخ محمد حسین - زندگی‌نامه

حلی، علی اصغر(۱۳۲۳ - )

✍️ «نائینی و استبداد» (شماره ۵۲۹۲) نائینی، شیخ محمد حسین - دیدگاه‌ها - سیاسی

زیبا کلام، صادق(۱۳۲۷ ق - )

✍️ «نائینی و دفاع از مشروطه» (شماره ۵۳۱۵) نائینی، شیخ محمد حسین - دیدگاه‌ها - سیاسی

سلمانپور، محمد جواد

✍️ «مراحل فهم کتاب و سنت و نقش قول لغوی در آن از نظر آية الله نائینی» (شماره ۵۷۸۰)

نائینی، شیخ محمد حسین - دیدگاه‌ها - اصولی

سیف، توفیق

✍️ ۴۴۴۴- استبداد ستیزی: تحلیلی از زندگی اجتماعی و دیدگاه‌های سیاسی علامه

محمد حسین غروی نائینی، ترجمه علی زاهد پور(۱۳۵۴ - )؛ محمد نصر(۱۳۳۸ - )؛ محمد نوری(۱۳۴۰ - )؛ حسنعلی نورپور(۱۳۳۷ - )، به کوشش

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان اصفهان، اصفهان: کانون پژوهش، چاپ اول/ ۲۰۰۰ نسخه، ۲۷۲ ص، فارسی، وزیری (شمیز)، بهاء: ۱۱۰۰۰ ریال، فهارس: اشخاص، عناوین، اماکن، مذاهب.

شابک: ۹۶۴-۶۰۱۷-۲۹-۰

کنگره: BP۲۳۱۷/۲/N1۵T۹۰۸۵

دیویی: ۲۹۷/۴۸۲۲

کد پارسا: B۴۰۶۸۳

عنوان متن ترجمه شده:

ضد الاستبداد، الفقه السياسي الشيعي في عصر الغيبة آثار پیرامون این اثر، شماره: ۵۱۰۶

✍️ نائینی، شیخ محمد حسین - دیدگاه‌ها - سیاسی؛ مشروطیت - تاریخ(تاریخ و جغرافی)؛ مشروطیت - نقش علماء(تاریخ و جغرافی)

کد پارسا: G1۵۸۶۹

پیشینه بر گرفته از کتاب: تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تألیف نویسنده، چاپ دوم

✍️ نائینی، شیخ محمد حسین - زندگی‌نامه

حسینی همدانی، سید محمد

✍️ ۴۴۴۳- «برگی از خاطرات»- تبیان اندیشه: گزیده مقالات پژوهشی در شناخت

آرای آية الله العظمی میرزا محمد حسین غروی نائینی(شماره ۴۴۵۱)، ص ۳۲۶-۳۲۳.

کد پارسا: G1۵۸۸۳

پیشینه برگرفته از مجله حوزه (سال ۵، ش ۶ بهمن و اسفند ۱۳۶۷) ص ۳۹-۴۳

✍️ نائینی، شیخ محمد حسین - زندگی‌نامه

کد پارسا: ۵۳۳-۵۴۴، کتابنامه: ۵۴۷-۵۳۳

NU tradition. Here students learn the essentials of traditionalist Islam in order to maintain and spread this interpretation.

NU's history can be divided into four phases:

1. The initial years NU served as a socioreligious organization.
2. From the late 1930s until 1984 it became involved in political activities. From 1952–1971 it had its own political party and participated in the national cabinet.
3. When the Suharto government rendered all political parties ineffective with its suppressive regulations NU decided to leave politics. This was expressed in the 1984 watershed event called *kembali ke khittab*, a return to the original charter of 1926.
4. In 1998, after the fall of Suharto, NU again became involved in national politics. It initiated the National Awakening Party (PKB) while its national chair, Abdurrahman Wahid, was elected Indonesia's fourth president for a brief period (1999–2001).

The return to its socioreligious activities in 1984 not only meant withdrawal from politics, but a total refocus on education, community welfare, mission, social, and economic development. Through its new role, NU became active in guiding large numbers of Indonesian Muslims in adapting to social change and modernity. Various institutions related to NU started multilevel dialogue about issues of social justice, human rights, democracy, and the rights of women and children. This made NU an active codeveloper of a model for civil society, suitable for the Indonesian context.

Over the years, several divisions were founded within the NU structure. Among others, there are divisions for youth (Ansor), women (Muslimat NU), young women (Fatayat NU), and male and female students (IPNU and IPPNU). Apart from these divisions, NU comprises institutions for education, family affairs, agriculture, economic development, and Islamic banking. The membership of ulema and lay people is reflected in a two-tiered structure of councils that reach from the national to the local level: the *syuriah* (Ar. *shura*), the religious council, which has only ulema as members who develop and monitor the NU activities; and the *Tanfidiyah*, which is the executive council where ulema and lay members supervise the daily affairs. It is characteristic for NU that decisions taken at the highest level are not binding for the lower levels. This is based on a tradition of the Prophet's saying that "disagreement among the ulema is a blessing from God for humanity."

See also **Southeast Asian Culture and Islam; Southeast Asia, Islam in.**

## BIBLIOGRAPHY

- Barton, Greg, and Fealy, Greg, eds. *Nabdletul Ulama, Traditional Islam and Modernity in Indonesia*. Clayton, Australia: Monash Asia Institute, 1996.
- Dhofier, Zamakhashari. *The Pesantren Tradition. The Role of the Kiyai in the Maintenance of Traditional Islam in Java*. Tempe, Ariz.: Program for Southeast Asian Studies, ASU, 1999.
- Oepen, Manfred, and Karcher, Wolfgang, eds. *The Impact of Pesantren in Education and Community Development in Indonesia*. Jakarta: P3M, 1988.
- Sciortino, Rosalia; Marcoes Natsir, Lies; and Mas'udi, Masdar. "Learning from Islam: Advocacy of Reproductive Rights in Indonesian Pesantren." *Reproductive Health Matters* no. 8 (November 1996): 86–93.

Nelly van Doorn-Harder

## NA'INI, MOHAMMAD HOSAYN (1860–1936)

Mohammad Hosayn Na'ini was a leading Shi'ite scholar, theoretician of constitutionalism, and a precursor of Islamic modernism in Iran. Born into a family of scholars, Na'ini first studied with Mohammad Baqer Esfahani and Mohammad Taqi (Aqa Najafi). Then he went to Iraq where he studied with Mohammad Hasan Shirazi and Mohammad Kazim Khorasani. In Iraq, Na'ini became actively involved in the anti-British independence movement after World War I. He was arrested and expelled from Karbala and returned to Tehran in 1923. He joined the anti-Qajar forces, supported Reza Khan's accession to the throne, and maintained cordial relationship with him until his death in Najaf in 1936.

Na'ini wrote the most important treatise in support of constitutional government from a Shi'ite viewpoint; in it he presented an Islamic justification for a secular and Western model constitutional government. In *Tanbih al-umma wa tanzih al-milla dar Asas Usul-i Masbrutiyyat* (An admonishment to the [community of] believers and an exposition to the nation concerning the principles of constitutional government), Na'ini attempted to reconcile the need for an efficient government in Iran that would respect certain tenets of a democratic system of government with the need to recognize the legitimacy of the rule of the Hidden Imam, and defend the precepts of Shi'ite Islam. It is said that when Na'ini became disillusioned with the constitutional revolution, he withdrew his book and threw it into the Tigris River.

See also **Modernization, Political: Constitutionalism; Nationalism: Iranian.**

question of a constitution, there would perhaps have been no followers around those *pishnamāzān*, and in consequence, no chance for them to increase their importance amongst other *mujtahids*. Thus, their aim in the movement was different from that of some other 'ulamā we have described. All the constitutionalist 'ulamā, however, no matter what their real motives may have been, were against the existing régime which was based on tyranny and oppression, and Nā'ini appears to represent such attitude. Needless to say, the 'ulamā, on the basis of their claim to be the legitimate rulers and General Agents of the Twelfth *Imām*, were always in a position legitimately to disapprove and to work for the downfall of even a just ruler, let alone an unjust one. They were in close association with the people and were, as E.G. Browne puts it: "essentially a national class, sprung from the people, knowing the people..."<sup>203</sup> They whole-heartedly supported the people and the intellectuals in the effort to put an end to the government of terror and to establish the *mashrūṭah* as the best possible alternative.

This has been a brief examination of the 'ulamā's motives for participation in the Constitutional Revolution. The 'ulamā, perhaps with the exception of Ṭabāṭabā'i, did not know the meaning of the idea of modern constitutionalism although they were its supporters. Their own explanations, so far, only indicate why they took part in the movement. Motives alone, of course, are not sufficient for understanding what they said about different aspects of democratic constitutionalism, such as the concepts of parliament, liberty, equality, election, in relation to Islam. They fought against tyranny but not for the sake of democracy. The problems require an examination which will be attempted in the later chapters. Nā'ini's theory, of course, will be taken as the focus of description. Before turning our attention to Nā'ini's constitutional theory we shall attempt to gain an insight into Nā'ini's life and his political and academic activities. The following two chapters, therefore, are devoted to Nā'ini's life and the origins of Nā'ini's political thought.

<sup>203</sup> Browne, *Revolution*, pp. 146-47.

ABDUL-HADI HAIRI

SHI'ISM AND CONSTITUTIONALISM

IN IRAN, Leiden - 1977, s. 109-164.

ON: S1021

### CHAPTER THREE

## A BIOGRAPHY OF NĀ'INI: THE 'ULAMĀ'S ROLE IN POWER POLITICS

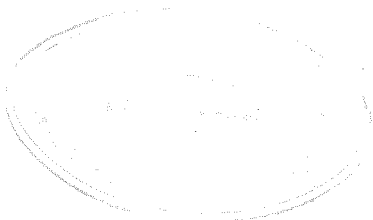
### *A Constructive Period in Isfahān*

The principal figure in our study is Mirzā Muḥammad Ḥusayn Gharavī Nā'ini (1860-1936), an active but little acknowledged supporter of the Persian Constitutional Revolution. He was born into a well-famed and respected family of Nā'in.<sup>1</sup> His father, Ḥājī Mirzā 'Abd al-Raḥīm and his grandfather, Ḥājī Mirzā Muḥammad Sa'id, were both in turn the *Shaykh al-Islam* of Nā'in. He did his primary studies in Nā'in and then at 17 years of age, in 1877, he moved to Isfahān, then still a distinguished place for religious studies. In Isfahān, he lived with Ḥājī Shaykh Muḥammad Bāqir Isfahānī (d. 1883) for seven years. The latter belonged to a distinguished clerical family of Isfahān and was himself the most powerful *mujtahid* of that city. He used to carry out the Islamic penal law, and he executed a number of people who were *Babis*.<sup>2</sup> His familial and personal power allowed him to operate relatively independent of the central government. He has

<sup>1</sup> Our information concerning Nā'ini's biography is based on the available written sources plus the interviews this writer had with Nā'ini's close associates, particularly his son, Mahdī Āyatullāh-Zādah Nā'ini and his brother Mirzā 'Abd al-Raḥīm Nā'ini. Among the source materials, the following have been consulted: Sayyid Muḥammad Mahdī al-Mūsawī Isfahānī al-Kāzīmī, *Aḥsan al-Wad'ah fi Tarājim Mashāhir Mujtahidi al-Shī'ah* (Najaf, 1968), p. 254; 'Āmilī, *A' yān al-Shī'ah*, XLIV, p. 258 (no. 2012); Sayyid 'Abd al-Hujjah Balāghī, *Tārīkh-i Nā'in* (Tehran, 1949), pp. 188-89; *idem*, *Kitāb-i Farhang-i Nā'in* (Tehran, 1949), pp. 101-104; *idem*, *Ansāb-i Khāndānā-yi Mardum-i Nā'in "Madinah al-'Urafā" va Kitāb-i Shu'ranj al-'Urafā* (Tehran, 1949), pp. 51-53; Tīhrānī, *Ṭabaqāt*, I, pp. 593-96; 'Alī Naqī al-Naqawī, "Āyah Allāh al-Nā'ini wa Mawqifuhū al-'Ilmī bayn al-Ṭā'ifah", *Al-Ridwān*, II, no. 8 (1936), 18-20; Mahdī Nā'ini, "Sharḥ-i Zindigānī-yi Marḥūm-i Āyah Allāh Nā'ini A' lā Allāh Maqāmahū", *Nā'in-i Bidār*, April 29, 1955, pp. 1-2; Dr. Manūchīr Khudāyār Muhibbī, "Pishvāyān-i Mazhab-i Shī'ah", *Ṭahid*, IV, no. 11 (1967), 994-95; Kūkīs 'Awwād, *Mu'jam al-Mu'jalifin al-Iraqiyyin fi al-Qarnayn al-Tāsi 'Ashar wa al-'Ishrin*, vol. III (Baghdad, 1969), pp. 152-53; Muḥammad Hādī Amīnī, *Mu'jam Rijāl al-Fikr wa al-Adab fi 'al-Najaf Khilāl Alf 'Ām* (Najaf, 1964), p. 435. In the latter reference some other sources are also given. See also Muḥammad Ḥusayn Hirz al-Dīn, *Ma'arif al-Rijāl fi Tarājim al-'Ulamā wa al-Udabā'*, Vol. I (Najaf, 1964), pp. 46-49, 284-88. Nā'ini's date of birth is recorded differently. Fortunately, we have been able to locate a photocopy of Nā'ini's birth certificate written by Nā'ini's father by courtesy of Mirzā Mahdī Nā'ini.

<sup>2</sup> Khīyābānī, *Rayḥānah*, II, p. 450.

Hikmat, vol: I/no:4 (1416/1996) Tehran, s. 455-478.



## The Critique and Evaluation of Social Democracy in the Political Theory of Mirzā Nā'inī

Mūsā Najafi

Translated from the Persian by Dr Muḥammad Legenhausen  
and Mahdi Chamanzār

### Introduction

In the book *Tanbīh al-Ummah wa Tanzīh al-Millah* (*Admonition of the [Islamic] Community and Purification of the Nation*) it is stated that, "the admonition of the [Islamic] community is one of the requirements of Islamic Law (*sharī'ah*) and to remove this from the nation is atheism and heresy (that is, despotism)."<sup>1</sup> The author of the book, Āyatullāh Mirzā Muḥammad Husayn Nā'inī, was a *mujtahid* (an expert in the derivation of Islamic Law), a famous jurist, and a man of political sensitivity to the problems of his times, and testimony to these and other dimensions of the author's personality are to be found in every line of *Tanbīh al-Ummah*. But before discussing this book, one should consider to which of the following three approaches Nā'inī is closer:

- (1) an exposition of Islamic democracy in a systematic framework;
- (2) an exposition of the common grounds between Islam and democracy;
- (3) an exposition of Shi'i political theory regarding the evaluation of democracy.

محمد حسين النائيني

(١٢٧٧-١٣٥٥ هـ / ١٨٦٠-١٩٣٦ م)

أول من نظر للحكم الدستوري تنظيراً فقهياً في الإسلام

الشيخ جعفر المهاجر

لبنان

في سيرته :

وُلد في "نائين" ، بلدة من أعمال "يزد" في "إيران" .

درس المبادئ في مسقط رأسه .

انتقل الى "إصفهان" حيث قرأ على محمد باقر بن محمد تقي ، والميرزا محمد علي

النجفي ، وأبي المعالي الكلبي ، ومحمد تقي المعروف بأقا النجفي . ودرس الفلسفة على الحكيم

جهان كبير .

هاجر الى "العراق" سنة ١٣٠٣ هـ / ١٨٨٥ م . ونزل "سامراء" حيث حضر أبحاث الميرزا

محمد حسن الشيرازي ، حتى وفاة هذا سنة ١٣١٢ هـ / ١٨٩٤ م . ومنها انتقل الى "كربلاء" وبقي

فيها مدة قصيرة . ثم استقر في "النجف" سنة ١٣١٤ هـ / ١٨٩٦ م . وكانت الرئاسة العلمية فيها

آنذاك للشيخ محمد كاظم الخراساني . فصار من أعضاء المجلس الخاص للخراساني ، الذي يحضره

خواص أصحابه لبحث المسائل الفقهية المشكّلة .

بعد وفاة الخراساني استقل بالتدريس . ثم صار أبرز المدرّسين في "النجف" .

توفي في "النجف" .

في مواقفه السياسية :

ما من ريب أن الشيخ النائيني قد تأثر تأثراً عميقاً بالأفكار والمبادرات السياسية لأستاذه

الشيرازي والخراساني . فالأول هو صاحب الفتوى الشهيرة بتحريم تدخين التبناك ، بعد أن باع

## تيار الإصلاح الديني ومصائر في المجتمعات العربية

أوراق مقدّمة في ندوة حلب

بمناسبة مرور ١٠٠ عام على وفاة عبد الرحمن الكواكبي

٣١ أيار - ١ حزيران ٢٠٠٢

تنسيق

ماهر الشريف وسلام الكواكبي

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	98255
Tas. No:	320.297 TEY.1

ifpo

فرع الدراسات العربية



دمشق

٢٠٠٣



الثانية اقامت ابا علي ابن راشد مقام علي بن الحسين بن عبد ربه وذكر نحوه في كتاب الغيبة وعليه فوكالة الحسين بن عبد ربه غير متحققة وانما الوكيل علي بن الحسين بن عبد ربه وفي النقد الذي يظهر من الكشي ان علي بن الحسين بن عبد ربه وكيل لا الحسين بن عبد ربه وقد سبق ابن طائوس العلامة في كون الحسين وكيلا وفي المنتقى المروي بالطريق المذكور - اي في الرواية الثانية - على ما رأيت في عدة نسخ للاختيار بعضها مقروء على السيد وكان عليه خطه ان الوكيل علي بن الحسين بن عبد ربه نعم روي فيه من طريق ضعيف صورته وجدت بخط جبرائيل بن احمد حدثني محمد بن عيسى اليقطيني ان الحسين كان وكيلا وفي الكتاب ما يشهد بأن نسبة الوكالة الى الحسين غلط مضافا الى ضعف الطريق اهـ . وهو يدل على ان الموجود في نسخته من الكشي كان الحسين في الرواية الأولى وعلي بن الحسين في الثانية وفي التعليق قوله الحسين بن عبد ربه فيه ما سيجيء في ترجمة علي بن الحسين بن عبد ربه هذا وحكم السيد ابن طائوس بكون الحسين وكيلا في ترجمته وترجمته ابي علي بن راشد وأبي علي بن بلال واستند في ذلك في ترجمته وترجمته ابن راشد الى رواية محمد بن مسعود عن محمد بن نصر عن احمد بن محمد بن عيسى وفي ترجمة ابن بلال قال وجدت بخط جبرائيل الخ وسيجيء في ترجمة علي بن الحسين انه وكيل قبل علي بن راشد وانه مات سنة ٢٢٩ او سبع وعشرين فالتاريخ في هذا الحديث الضعيف يشهد بكونه علي بن الحسين وما يؤيده ان الظاهر وقوع السقط من النسخ لا الزيادة .

الحسين بن عبد الرحمن الشجري الحسيني  
وصفه صاحب عمدة الطالب بالسيد في المدينة فدل على انه كان له رياسة وسيادة بالمدينة وقال ان امه حسينية .

الميرزا حسين ويقال محمد حسين بن الشيخ عبد الرحيم الملقب بشيخ الاسلام الثاني النجفي  
ولد في حدود ١٢٧٣ في بلدة نائين وتوفي بالنجف ظهر يوم السبت ٢٦ جمادى الأولى سنة ١٣٥٥ عن نحو ٨٢ سنة ودفن في بعض حجرات الصحن الشريف .

(الثاني) نسبة الى نائين بلدة من نواحي يزد على عشرين فرسخا منها تتبع في الادارة اصفهان تصنع بها العبادات الفاخرة وفي معجم البلدان نائين بعد الالف ياء مهموزة ونون ويقال لها نائين أيضا من قرى اصفهان .

#### ابوه وعشيرته

كان أبوه يلقب بشيخ الاسلام في اصفهان وهو لقب سلطاني وكذلك اباؤه من قبله وبعد وفاته لقب به اخوه الاصغر اما هو فكان شيخ الاسلام بحق لا بفرمان سلطاني .

#### صفته

كان عالما جليلا فقيها اصوليا حكيما عارفا ادبيا متقنا للأدب الفارسي عابدا مدرسا مقلدا في الاقطار، ويقال انه كان كثير العدول عن آرائه السابقة . رأيناه بالنجف ايام اقامتنا بها من سنة ١٣٠٨ الى سنة ١٣١٩ وكان في تلك المدة منحاذا عن الناس الا ما قل ورأيناه مرة في كربلاء جاءها للزيارة فنزل في مدرسة الشيخ عبد الحسين الطهراني في الطابق السفلي

وبعد ما فارقنا النجف الى الديار الشامية وتسلمه اريكة الرئاسة كانت تأتينا كتبه ورسائله الودادية التي يثني فيها على جهودنا وما فعلنا له بعون الله ومنه من خدمة الدين والأعمال النافعة في تلك الديار والارشاد والهداية .  
ولما وردنا النجف للزيادة عام ١٣٥٢ - ١٣٥٣ زارنا في منزلنا مرارا وكان قد ثقل سمعه وكان قوي الحافظة حسن الذاكرة قال لنا لما زارنا قد مضى لكم من يوم مفارقتكم النجف الى الآن ثلاثون سنة وكان الأمر كذلك وزرناه في منزله وكان يفرط في شرب الشاي .

#### احواله

قرأ اول مبادئ العلوم في نائين وفي سنة ١٢٩٣ او ٩٥ هاجر الى اصفهان فقرأ على الشيخ محمد باقر ابن الشيخ محمد تقي صاحب حاشية المعالم وعلى الميرزا محمد حسن النجفي والميرزا ابي المعالي والشيخ محمد تقي المعروف باقا نجفي وفي سنة ١٣٠٠ سافر شيخه الشيخ محمد باقر المذكور الى العراق وتوفي وبقي المترجم في اصفهان الى اواخر سنة ١٣٠٢ ثم هاجر الى العراق ودخل سامراء في المحرم سنة ١٣٠٣ وقرأ فيها على الميرزا السيد محمد حسن الشيرازي الشهير الى سنة وفاته ١٣١٢ وفي اثناء اقامته بسامراء توفي والده الشيخ عبد الرحيم وبقي هو في سامراء مدة بعد وفاة الميرزا الشيرازي مع جماعة من تلاميذ الشيرازي كالسيد محمد الاصفهاني والميرزا الشيخ محمد تقي الشيرازي والسيد اسماعيل صدر الدين العامل الكاظمي والميرزا حسين النوري وغيرهم رجاء ان يبقى ما أسسه الميرزا الشيرازي مستمرا لكن تشتت الاهواء وتشعب الاراء حال دون ذلك وانضاف اليه ما كانت تدسه الدولة التركية واعوانها في العراق لتشتيت شمل مدرسة سامراء وتقويض بنائها الذي ابتدأ من اواخر عهد الميرزا الشيرازي ثم هاجر المترجم من سامراء الى كربلاء وبقي فيها مدة ثم هاجر الى النجف سنة ١٣١٤ وقيل ان هجرته الى كربلاء كانت سنة ١٣١٤ وبقي فيها سنتين ثم هاجر الى النجف والله اعلم وكان الملا كاظم الخراساني قد استقل بالتدريس في حياة استاذة الميرزا الشيرازي وزادت حلقة درسه بعد وفاة استاذة المذكور وكان يعقد في داره مجلسا خاصا لأجل المذاكرة في مشكلات المسائل يحضره خواص اصحابه فكان المترجم يحضر معهم ولم يحضر درس الملا كاظم العام . وبعد وفاة الملا كاظم استقل بالتدريس وبعد وفاة الميرزا محمد تقي الشيرازي رأس وقيل في سائر الاقطار هو والسيد أبو الحسن الاصفهاني واستقامت لها الرياسة العلمية في العراق بل انحصرت فيها وكان هو اعرف عند اكثر الخاصة والسيد الاصفهاني عند العامة وكثير من الخاصة وبعد وفاته انحصر ذلك في السيد الاصفهاني وبعد اعلان السلطنة المشروطة في إيران سنة ١٣٢٤ كان من اكبر الدعاة اليها والف في ذلك كتابا بالفارسية اسماء تبيينه الأمة وتنزيه الملة في لزوم مشروطة دستورية الدولة لتقليل الظلم على أفراد الأمة وترقية المجتمع وطبع وعليه تقريض للشيخ ملا كاظم الخراساني والشيخ عبد الله المازندراني ثم بعد ذلك بمدة بعد وفاة الخراساني جمع ما أمكن جمعه من نسخه بل كان يشتريها بقيمة عالية واتلفت بأمره وبقيت منه نسخ لم يمكن اتلافها وقد عرب منه بعض الفصول وادرجت في مجلة العرفان .

ولما فتحت العراق على يد الانكليز بعد الحرب العامة الأولى واقبم الملك فيصل ملكا على العراق وارادوا تعيين وزراء للدولة الجديدة ومجلس

نيابي كان هو والسيد الاصفهاني معارضين في ذلك الوضع لانها يريدان خيرا منه ولها الكلمة النافذة فابعدا الى ايران في اواخر سنة ١٣٤١ وجاءا الى قم واقاما بها سنة كاملة واحفى بها الشيخ عبد الكريم الزيدي المقيم في قم في ذلك الوقت احتفاء زائدا وجعلت طلاب مدرسته تقرأ عليها وحصل لهما في ايران استقبالات حافلة في كل بلد مرا به ثم اعيدا الى العراق بعدما شرط عليهما ان لا يتدخلوا في أمور الملكة السياسية وعادا الى النجف .

#### مشايخه

(١) الشيخ محمد باقر الاصفهاني (٢) الميرزا محمد حسن النجفي (٣) الميرزا السيد محمد حسن الشيرازي (٤) السيد محمد الفشاركي الاصفهاني (٥) المولى فتحعلي جونابادي (٦) الميرزا حسين النوري (٧) الشيخ محمد تقي الشيرازي وغيرهم وقال السيد هبة الدين الشهرستاني في كتابه في حقه كنت اراه في سامراء يراجع في علمي التفسير والحديث المولى فتحعلي جونابادي والميرزا حسين النوري وفي علمي الفقه والأصول الميرزا محمد تقي الشيرازي والسيد محمد الاصفهاني اهـ . وما يقوله البعض من انه حضر درس الشيخ مرضي الانصاري مستشهدا بأنه كان يقول : والى هذا القول ذهب استاذنا الانصاري في بحثه لا يكاد يصح فالانصاري توفي سنة ١٢٨١ وهو ولد حوالي سنة ١٢٧٣ كما مر فيكون عمره عند وفاة الانصاري سبع سنين .

#### تلاميذه

وهم كثيرون منهم (١) السيد أبو القاسم الخوئي النجفي (٢) الشيخ محمد علي الكاظمي الخراساني صاحب فوائد الأصول (٣) الشيخ موسى الخوانساري النجفي صاحب منية الطالب في شرح المكاسب وغيرهم .

#### مؤلفاته

(١) تبيين الأمة المشار اليه آنفا مطبوع (٢) رسالة لعمل المقلدين مطبوعة (٣) حواشي العروة الوثقى مطبوعة على حدة (٤) رسالة في اللباس المشكوك (٥) رسالة في احكام الخلل في الصلاة (٦) رسالة في نفي الضرر (٧) رسالة في التعبد والتوصلي (٨) اجوبة مسائل المستفتين جمعها بعض تلاميذه (٩) تقريرات ببحثه في الأصول المسمى أجود التقريرات لتلميذه السيد أبو القاسم الخوئي في مجلدين وعليها تعليقة منه وتلاميذه عدة مؤلفات اكتسبها فوائدها من محاضرات درسه .

#### مراثيه

رثي بمرات كثيرة فمن قصيدة الشيخ محمد علي اليعقوبي قوله :  
بكى البلد الأمين عليك شجوا فجاوب صوته البلد الحرام  
وراع الخطب فارس فاستشاطت وشاطرت العراق به الشام  
وعم بك الاسى شرقا وغربا كما عمت مواهبك الجسام  
أهالوا التراب منك على حيا به في المحل يستسقى الغمام  
تجهج وجه هذي الأرض حزنا عليك وطبق الاقن الطلام  
فجرح الدين بعدك ليس يؤسى وصدع العلم ليس له التمام  
فكم لك دونه وقفات عز تحجر انك البطل الهمام  
هي الايام لم تحفظ لديها عهود لا ولا يرعى ذمام

ورحت مزودا عملا وعلمها مرضيت وعمرك الثاني سيقى وكم  
وما الانسان بعد الموت الا مآثر وهان الخطب بعدك مذ وثقنا بأن  
لئن فقد (الحسين) في المعزى به به الاحكام قد شددت عراها وهل  
وكيف تضل قوم عن هداها وفي اذا النادي حواه فليس يدري ايدبل  
ابا حسن وانت لنا غياث لدى ففيك وقد سلمت لنا عزاء وللد.

ومن قصيدة الشيخ محمد رضا المظ أبيض الحمى لا السيف سيف ولا الفم غد ولن ترفع الرأس الرجال كرامة اذا لم نعاه لنا الناعي فقلنا صواق قصصه وأقطاب فضل ارشد الله أمرهم بهم بني العلم للعليا فلا تسمروا اذا فقروا وقفة الغلب الاباة عن الهدى فيان وسلوتنا نجل الحسين وشبله (علي) وصنوان اصل الفخر أعرق فيها فظاب لئن حل منا الدهر عقدا فإن في (ابي) اذا الناس أسمى امرها متشابها فانت

ومن قصيدة الشيخ عبد الحسين ا أعرنى لسانا او فدعني وما بيا فقد مضى لا مضى من كان في الله فانبا فخذل ستسنى الكرى بعد الحسين محاجري وتذكر تقام له الذكرى وفي كل ساعة يناجي الدجى مستسرا وانما بغرنا اذا ما انثى يتلو بديع بيانه تذكركني ليلا بغير خصاله زواه اعددها لو كنت اسطيع عدها ومن لقد عاش في الدنيا كما عاش اهلها سوى ومن بعدك الاعواد يقرع منها فينبذ لك القلم العالي على الخمس سابحا تشبه تقاصر عنه السهمري وطالما ببارا محاسن اطربها فيحسب جاحد باقي وهيئات احصيتها بشعري وان اكن تحخذ رضى بالقضا الجاري ومن لم يكن به ليرة

ومن قصيدة السيد محمود الحويوي سكت اللسان فيا دموع تكلمي فلقد قد لا يطيق مفوه شرح الاسى وتط فغن الدموع خذوا احاديث الاسى مشر فمن القصائد أدمع منظومة ومن

٥٥-٥٥  
١٣٥٦  
١٣٥٦

SHĪ'ĪSM AND CONSTITUTIONALISM:  
A STUDY OF THE LIFE AND VIEWS OF  
MĪRZĀ MUḤAMMAD ḤUSAYN NĀ'ĪNĪ,  
A SHĪ'Ī MUJTAHID OF IRAN. [To obtain  
a microfilm copy please order directly  
from the National Library of Canada at  
Ottawa]

HAIRI, Abdul-Hadi, Ph.D.  
McGill University (Canada), 1973

The purpose of this study is to examine the position of the Persian ulamā toward the idea of constitutionalism and the Persian Constitutional Revolution of 1906, as exemplified in the life and political thought of Mīrzā Muhammad Husayn Nā' īnī (1860-1936). By studying Nā' īnī's discussion of tyranny and the principles of democracy, we learn to what extent the ulamā were aware of democracy and to what extent they were prepared to make concessions to modernity.

Basing our argument on the writings of the ulamā and the intellectuals of the Muslim world, we have concluded that democracy was confused with Islamic doctrines by the intellectuals, and their misinterpretation made democracy appeal to the Persian constitutionalist ulamā. The ulamā, therefore, did not aim at a democratic system. However, the opposition of the ulamā to foreign encroachments in Iran, their support of the Revolution and the concessions they made to constitutionalism, worked, to a degree, in favor of democracy, despite their intentions.

## تنبيه الامّة و تنزيه الملة

۲۵۹

بابکان، با متن پهلوی، آوانویسی، ترجمه فارسی و واژه‌نامه‌ها، چاپ بهرام فره‌وشی، تهران ۱۳۵۴ ش؛ پتر کراسلی - هولند، «موسیقی باستانی و شرقی»، در تاریخ جامع موسیقی، چاپ الک رابرتسون و دنیس استیونس، ترجمه بهزادباشی، ج ۱، تهران: آگاه، ۱۳۶۹ ش؛ عبدالقادرین غیبی مراغی، جامع‌الاحسان، چاپ تقی بینش، تهران ۱۳۶۶ ش؛ مسعودی، مروج (پاریس)؛ حسینعلی ملاح، فرهنگ سازها، تهران ۱۳۷۶ ش؛ جلال‌الدین همائی، تاریخ ادبیات ایران: از قدیمترین عصر تاریخی تا عصر حاضر، تهران ۱۳۲۰ ش؛ منظومه درخت آسوریک، متن پهلوی، آوانوشت، ترجمه فارسی، فهرست واژه‌ها و یادداشتها از ماهیار نوایی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶ ش؛

ET<sup>1</sup>, suppl., s.v. "Tumbūr" (by H. G. Farmer); Henry George Farmer, *Studies in Oriental music*, ed. Eckhard Neubauer: "The evolution of the tanbūr or pandore", Frankfurt on the Main 1986.

/ قنبرعلی رودگر و سیدعلیرضا میرعلی نقی /

## تنبوری، علی افندی ← علی افندی تنبوری

## تنبوکتو ← تمبوکتو

تنبيه الامّة و تنزيه الملة، مشهورترین رساله درباره میان‌فکری و ابعاد گوناگون حکومت مشروطه، بر اساس نگرش شیعی، نوشته میرزا محمدحسین غروی نائینی\* (متوفی ۱۳۵۵) به فارسی. این اثر در ۱۳۲۷ نوشته شده و نام کامل آن *تنبيه الامّة و تنزيه الملة فی لزوم مشروطية الدولة الممتحنية لتقبل الظلم على أفراد الامّة و تزقية الممتحنين* (آقایزرگ‌طهرانی، ج ۴، ص ۴۴۰). هدف از نگارش این کتاب، چنانکه نائینی (۱۳۸۲ ش، ص ۳۸) بصراحت بیان کرده، تنبیه امت به ضروریات شریعت و میزاد کردن ساحت دین (ملت) از زندقه و الحاد و بدعت (ظلم و استبداد) است.

نائینی از شاگردان میوز میرزا حسن شیرازی (متوفی ۱۳۱۲)، آفاسید محمد فشارکی اصفهانی (متوفی ۱۳۱۶) و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (متوفی ۱۳۲۸)، و مجتهدی توانا و آگاه به مسائل زمان خود بود (حرزالدین، ج ۱، ص ۲۸۵). هر چند در طرح کلی این اثر ارزشمند، اقتباساتی از دیدگاههای دیگران دیده می‌شود، مؤلف توانسته است با طرح مباحث و ابتکاراتی جدید، چشم‌انداز تازه‌ای از نظریه سیاسی شیعه درباره نظام مشروطه و نفی استبداد عرضه کند و به تقریری نو از آموزه‌های شیعی همت گمارد.

کتاب شامل مقدمه، پنج فصل و خاتمه است. در مقدمه

مقامات - که از ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۸ ش ضبط و حدود سی سال بعد از آن در فرانسه تکثیر شده است - در کنار روایات سنت‌گرایانه‌تر و محافظه‌کارانه‌تری از قبیل ضبطهای ۱۳۷۹-۱۳۸۰ ش علی‌اکبر مرادی در پاریس (که با اجازه رسمی و کتبی شیخ خانقاه مبنی بر لزوم ضبط و نگهداری آنها در تاریخ، همراه شده است)، مجموعه‌ای گسترده و قابل تأمل را عرضه می‌کنند. مهم‌ترین این صفحه‌ها عبارت‌اند از: «مسیر عشق الاهی»، «حماسه‌ای روحانی» از استاد الهی، «موسیقی گردی ایران» از علی‌اکبر مرادی که بترتیب در ۱۹۹۷، ۱۹۹۸ و ۲۰۰۱ در پاریس ضبط شده‌اند.

در این بین، نواخته‌های هنوز منتشر نشده سیدخلیل عالی‌نژاد، آخرین بازمانده از سلسله‌ای عرفانی - هنری قدیمی در منطقه کردستان، بسیار شایان توجه است. در اجرای عالی‌نژاد، سنت قدیم با دریافت‌های درخشان فردی و درونی او درآمیخته است؛ اجراهایی بر پایه سنت قومی نیاکان و حاوی قدرت نفوذ معنوی او، که هم در قالب تک‌نوازی هم در قالب جدید مثل گروه‌نوازی و حتی قطعه‌سازی برای تنبور، تجلی پیدا کرده است.

منابع: امیر انزلی آریان‌پور، «سازهای محلی اسلام‌های جنوبی و شباهت آنان با سازهای محلی مشرق زمین»، مجله موسیقی، دوره ۳، ش ۱۰۷ (آبان و آذر ۱۳۴۵)؛ ابن بطوطه، *رحلة ابن بطوطه*، چاپ محمد عبدالمنعم عربان، بیروت ۱۹۸۷/۱۴۰۷؛ ابن خردادبه، *قطعه‌ای از رساله اللهور والملاهی*، ترجمه افسر، چاپ حسینعلی ملاح، مجله موسیقی، دوره ۳، ش ۷۴-۷۳ (بهمن و اسفند ۱۳۴۱)؛ ابن خلدون؛ ابن ندیم؛ ابوالفرج اصفهانی؛ اولیا چلبی؛ بندهش، [گردآوری] فریخ دادگی، ترجمه مهرداد بهار، تهران ۱۳۶۹ ش؛ جین جنکینز و پل راوسینگ اولسن، *موسیقی و ساز در سرزمینهای اسلامی*، ترجمه بهروز وجدانی، تهران ۱۳۷۳ ش؛ خسرو قبادان و ریدک وی، در محمد معین، *مجموعه مقالات*، به کوشش مهدخت معین، ج ۱، تهران ۱۳۶۴ ش؛ محمدرضا درویشی، *دایرةالمعارف سازهای ایران*، تهران ۱۳۸۰ ش - ؛ ژان دورینگ، *موسیقی و عرفان: سنت شیعی اهل حق*، ترجمه سودابه فضائلی، [اصفهان] ۱۳۷۸ ش؛ خلیل عالی‌نژاد، *تنبور از دیرباز تا کنون*، تهران ۱۳۷۶ ش؛ محمدبن محمد فارابی، *کتاب الموسیقی الکبیر*، چاپ غطاس عبدالملک خشبه، قاهره [۱۹۶۷]؛ هنری جورج فارمر، «تأثیر و نفوذ ایران در تعبیه آلات موسیقی»، *روزگار نو*، سال ۲، ش ۲ (پاییز ۱۹۴۲)؛ همو، *تاریخ موسیقی خاور زمین: ایران بزرگ و سرزمینهای منجاور*، ترجمه بهزادباشی، تهران ۱۳۶۶ ش؛ مهدی فروغ، «آلات موسیقی قدیم ایران و دیگر کشورهای خاورمیانه»، *مجله موسیقی*، دوره ۳، ش ۵ (۱۳۳۵ ش)؛ همو، *نفوذ علمی و عملی موسیقی ایران در کشورهای دیگر*، تهران ۱۳۵۴ ش؛ حسن‌بن احمد کاتب، *کتاب کمال ادب الغناء*، چاپ غطاس عبدالملک خشبه، قاهره ۱۹۷۵/۱۳۹۵؛ کارنامه اردشیر

1. Les chemin de l'amour divin

2. A spritual epic

3. Musique kurde d'Iran

دارای سه فصل: باب ششم، در مطالب پراکنده، دارای چهار فصل؛ خاتمه، در ذکر اسامی منجمان و محدثان که این کتاب از گفته‌های ایشان تألیف یافته است. کتاب *تنبيهات المنجمين* در سال ۱۲۸۴ ق در ایران به چاپ رسیده است.

منابع: *الذریعة*، ۴۵۲/۴-۴۵۳؛ *فهرست کتابهای چاپی فارسی*،

محمد حسین روحانی

۱۴۳۳/۱

— Naini, Mub. b. Hi.

**تنبيه الامة و تنزيه الملة**، کتابی به زبان فارسی از محمد حسین غروی نائینی (۱۲۷۷-۱۳۵۵ ق) در دفاع از نهضت مشروطیت ایران، البته در *مهرنگ فارسی* معین جمله «فی لزوم مشروطية الدولة المنتخبة لقليل الظلم علی افراد الامة» نیز بر نام کتاب افزوده شده است. این کتاب دارای یک مقدمه با پنج فصل و یک خاتمه است. در مقدمه درباره حقیقت استبداد، مشروطیت، قانون اساسی، مجلس شوری، حریت و مساوات بحث شده است. در فصل اول درباره اساس و حقیقت سلطنت و چگونگی انحراف از وضع اولی یا نخستین آن سخن در میان است. فصل دوم اختصاص دارد به این بحث مهم که آیا تحدید سلطه در عصر غیبت امام واجب است؟ مطلب فصل سوم در پاسخ این پرسش است که آیا مشروطیت برای تحدید کافی و بی اشکال است؟ مؤلف در فصل چهارم به شبهات و اشکالاتی که درباره تأسیس مشروطیت شده پرداخته و کوشیده است به آنها پاسخ دهد. در فصل آخر، سخن از صحت و مشروعیت مداخله و نظر نمایندگان و وظیفه عملی و شرایط آنان است. بخش خاتمه تحت عنوان دو مقصد بیان شده است. مقصد اول در بیان قوای نگهبان، دوم در چاره و علاج قوای استبداد.

چون نهضت مشروطه خواهی در ایران آغاز شد، آزادیخواهان بسیاری از عالمان دین در ایران و عراق و روشنفکران ملی یا مذهبی به آن پیوستند و نقش مستقیم یا غیرمستقیمی در این حرکت سیاسی ایفا کردند. وحدتی که در این خواست عمومی پدید آمده بود، سبب شد که در سال ۱۳۲۴ ق مشروطیت پیروز شود و مورد تأیید مظفرالدین شاه قاجار (م ۱۳۲۴ ق) قرار بگیرد. اما پس از این پیروزی نخستین و تشکیل اولین مجلس شورای ملی و تدوین و تصویب قانون اساسی ایران، و بعد از آنکه آثار و عواقب طبیعی و غیر طبیعی مشروطیت اندکی در عرصه زندگی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و دینی ایرانیان آشکار شد، اختلاف نظرهای آشکاری در صفوف مشروطه طلبان پدید آمد. مهمترین نقطه اختلاف این بود که آیا اساساً مشروطیت و پیامدهای طبیعی و الزامی آن مانند قانونگذاری، تأسیس مجلس شورا و وجود نمایندگان مردم، وجود احزاب مختلف سیاسی، آزادی فکر و عقیده و بیان و مطبوعات، مساوات تمامی مردم اعم از مسلمان و غیرمسلمان در برابر قانون،

تأسیس دادگستری و تشکیل محاکم عرفی و شرعی و... منطبق با موازین شرعی و فقهی هست یا نه. چنانکه ماهیت این اختلاف اقتضا داشت، طرح این سؤالات پیش از هر چیز در صف واحد عالمان دینی مشروطه خواه شکاف افکند و در نتیجه کسانی مشروطیت را مشروع و اسلامی دانستند و شماری نیز این پدیده نورا خلاف شرع و مغایر با مبانی دینت شمردند و آن را تحریم کردند. در اوج کشمکش درونی جبهه مشروطه خواهان، در سال ۱۳۲۶ ق محمد علیشاه، که خود کینه‌ای عمیق از مشروطه خواهان داشت و برای برانداختن اساس مشروطیت نویناد به صف مشروطه خواهان پیوسته بود، با بمباران مجلس و دستگیری و اعدام و تبعید آزادیخواهان، اساس مشروطیت را برانداخت و بار دیگر استبداد حاکم شد. در این دوران، که فریاد مشروطه طلبان خاموش شده بود، مشروطه خواهان ضد مشروطه مجال یافتند که باتمامی امکانات، از جمله حمایت مادی و معنوی شاه و دربار، به مبارزه و ستیزه علیه فکر مشروطه طلبی برخیزند. در این دوره سیزده ماهه، مقالات و کتابهای بسیاری نوشته و انتشار یافت که یکسره به بی اعتبار کردن نظری و عملی مشروطیت پرداختند، از جمله کتابی تحت عنوان *تذکرة العاقل و ارشاد الجاهل* نوشته شد که در آن مبانی مشروطه، ضد شرعی و کفر و الحاد و مجلس شوری دارالکفر دانسته شده بود. و اشکالات فقهی و شرعی متعددی بر مشروطیت وارد آمده بود. هر چند نویسنده آن نامعلوم بود، اما شهرت یافت که آن را شیخ فضل الله نوری (مقتول ۱۳۲۷ ق)، که رهبر روحانی مشروطه خواهان ایران شمرده می شد، نوشته است. ولی کتاب اسناد مشروطیت نشان می دهد که آن را شخصی به نام میرزا علی اصفهانی نوشته است که از طرفداران نوری بوده و با نظارت و تأیید و احتمالاً با املاى وی کتاب تدوین یافته است.

پس از اوج گیری تلاشهای مخالفان مشروطه در ایران، میرزای نائینی، که در عراق بود و از تعرض مصون، تقریباً ده ماه پس از القای مشروطیت، کتاب *تنبيه الامة* را در دفاع از مشروطیت ایران نگاشت و در آن کوشید مبانی و اصول مشروطه و نظام پارلمانی و دموکراسی را از مبانی اعتقادی و با استفاده از قواعد فقهی استخراج کند و اسلامیت آن اصول را اثبات نماید. هر چند در کتاب نامی از کسی برده نشده اما اشارت نائینی و شبهاتی که مطرح می کند و عمده آنها در کتاب *تذکرة العاقل* آمده است، نشان می دهد که انگیزه اصلی مؤلف پاسخگویی به اشکالات آن کتاب است. به هر حال مخاطبان نائینی در این کتاب، تمامی کسانی هستند که از موضع مذهبی و فقهی با مشروطیت مخالفت می کردند. کتاب در ۱۳۲۷ ق در عراق چاپ شد و در ۱۳۲۸ ق در تهران تجدید چاپ گردید. کتاب با توجه به حجم مطالبی که در بردارد، تقریباً کوتاه و در عین حال روشن و رسا و بی ابهام نوشته

10 MARI 1999

ایرانی و اسلامی در غناء و موسیقی، تهران، ۱۳۵۵ش؛ درخت آبسوریک، به کوشش یحیی ماهیار نوایی، تهران، ۱۳۶۳ش؛ درویشی، محمدرضا، دایرةالمعارف سازهای ایران، تهران، ۱۳۸۰ش؛ رستم‌الحکماء، محمدهاشم، رستم‌التواریخ، به کوشش محمد مشیری، تهران، ۱۳۴۸ش؛ قازانی، الموسیقی الکبیر، قاهره، ۱۹۶۷م؛ فخرالزمانی، عبدالنبی، تذکرة میخانه، به کوشش احمد گلچین معانی، تهران، ۱۳۶۲ش؛ کاتب، حسن، کمال ادب الغناء، قاهره، ۱۹۷۵م؛ کارنامه اردشیر بابکان، به کوشش محمدجواد مشکور، تهران، ۱۳۲۹ش؛ کنزالتحف، سه رساله فارسی در موسیقی، به کوشش تقی بینش، تهران، ۱۳۷۱ش؛ مراغی، عبدالقادر، جامع الالخان، به کوشش تقی بینش، تهران، ۱۳۶۶ش؛ هومو، شرح ادوار، به کوشش تقی بینش، تهران، ۱۳۷۰ش؛ هومو، مقاصد الالخان، به کوشش تقی بینش، تهران، ۱۳۴۴ش؛ مشحون، حسن، تاریخ موسیقی ایران، به کوشش شکوفه شهیدی، تهران، ۱۳۸۰ش؛ نصرآبادی، محمداطاهر، تذکرة نصرآبادی، به کوشش محسن ناجی نصرآبادی، تهران، ۱۳۷۸ش؛ واصفی، محمود، بدایع الرقایع، به کوشش الکساندر بلدروف، تهران، ۱۳۴۹ش؛ نیز:

Farmer, H. G., *A History of Arabian Music*, London, 1967; id., «Music and Musical Theory», *A Survey of Persian Art*, ed. A. U. Pope, Tehran, 1977, vol. VI; Feldman, W., *Music of the Ottoman Court*, Berlin, 1996; Lawergren, B., «Iran, I. Pre-Islamic», *Grove Music Online. Oxford Music Online*, www.oxfordmusiconline.com/subscriber/article/grove/music/13895 (accessed July 6, 2008); Popescu-Judetz, E., *Tanbur küçük artın*, Istanbul, 2002; Sachs, C., *The History of Musical Instruments*, New York, 2006; Sakata, H. L., *Music in the Mind*, Washington/London, 2002; Slobin, M., *Music in the Culture of Northern Afghanistan*, Tucson, 1976; Unvala, J. M., *King Husrav and his Boy*, Paris, 1921.

امیرحسین پورجوادی

### تَنْبِیْهُ الْأُمَّةِ وَ تَنْزِیْهُ الْمَلِئِیْهِ، کتابی از میرزا محمد

حسین نائینی در اثبات سازگاری اصول مشروطیت با مبانی اسلام و مذهب شیعه. نائینی از چهره‌های مشهور و برجسته حوزه نجف و از شاگردان میرزا محمدحسن شیرازی بود (نک: ۵: د، نائینی).

تألیف کتاب تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله، اولین تلاش روحانیت شیعه در عرصه نظریه‌پردازی سیاسی در دوران جدید، و پاسخی است به کسانی که از منظر دینی با مشروطیت مخالفت می‌کردند (نک: ادامه مقاله). نثر کتاب مغلق و پیچیده و متأثر از ادبیات رایج در حوزه‌های دینی آن زمان است، ولی استدلال‌های نائینی روشن و استوار است.

مؤلف در بیان انگیزه تألیف کتاب، پس از شرحی درباره علل عقب‌ماندگی مسلمانان و پیشرفت «ملل مسیحیه و اروپاییان»، و اشاره به بیداری مردم ایران و جانپازی آنان در تحصیل مشروطیت و «صدور احکام حجج اسلام نجف اشرف که رؤسای شیعه جعفری مذهب‌اند، بر وجوب تحصیل این مشروع مقدس، و تعقب آن به فتوای مشیخه اسلامیة اسلامبول که مرجع اهل سنت‌اند»، کسانی را که به نام دین با مشروطیت مخالفت می‌کردند، «گرگان آدمی‌خوار» خواند که «برای ابقای شجره خبیثه ظلم و استبداد... دستاویزی بهتر از... دین نیافتند» (نک: نائینی، ۵۹، ۶۱). نائینی دفاع از استبداد را به دستاویز دین «لکه ننگ و عار عظیم» (ص ۶۱) و ظلم «به ساحت مقدسه نبوت

تنبور را بدون استفاده از مضراب و با ۵ انگشت دست راست می‌نوازند. متداول‌ترین مضراب تنبور کشیدن ۵ یا ۴ انگشت دست راست از پایین به بالا است. در این مضراب که به شُر موسوم است، نوک انگشتان به طور منظم یکی پس از دیگر با سیمها تماس حاصل می‌کنند. دیگر مضرابهای مورد استفاده در نواختن این ساز، اسم مشخصی ندارند و گاه با عنوانهایی چون پس شُر، پیش شُر، مضراب راست، و مضراب چپ از یکدیگر متمایز می‌شوند (هومو، ۳۳۱/۱).

«رپرتوار» ساز تنبور در کرمانشاه شامل دو بخش است: مقامهای مجلسی یا باستانی، و مقامهای حقانی یا کلام. مقامهای مجلسی که به آنها غیرکلام یا غیرحقانی نیز گفته می‌شود، میان ۱۴ تا ۲۰ آهنگ است و با سازهایی چون سرنا، دوزله، نرمة نای و شمشال نیز قابل اجرا هستند. برخی از این مقامها همچون ساروخانی، قطار، گله و دَزه دارای ریتم آزاد، و برخی دیگر همچون جنگه‌را، جلوشاهی، بایته بایته، خان امیری، سوار سوار و انواع سماع دارای متر مشخص هستند (هومو، ۳۰۷/۱). اما مقامهای حقانی یا کلام «رپرتوار» آیینی سلسله اهل حق محسوب می‌شود. کلام صرفاً با تنبور و آواز اجرا می‌شود. هر کلام متن مشخصی دارد و برگرفته از گفته‌ها و سرودهای بزرگان اهل حق است (هومو، ۳۰۸/۱-۳۰۹).

اما در لرستان پیروان اهل‌حق عموماً در بخشهایی چون دلفان و طرهان و چنگی، در شمال غربی این استان ساکن هستند و گویش آنها لکی است. سنت نوازندگی تنبور در این منطقه به بیش از ۴۰۰ سال پیش بر می‌گردد. اهل‌حق‌های لرستان بر این اعتقادند که کهن‌ترین تنبور توسط یکی از یاران این سلسله به نام شهره میر ساخته شده که معاصر شاه سلطان حسین صفوی (سل ۱۱۰۵-۱۱۳۵ق/۱۶۹۴-۱۷۲۲م) بوده است. شهره میر نزد این سلسله بزرگ‌ترین نوازنده تنبور به حساب می‌آید و پس از او ترکه میر دلفانی و آخرین نوازنده معروف این ساز امامقلی امامی مشهور به عزیزی (د ۱۳۵۳ش) است (ایزدینا، ۲۰۵). «رپرتوار» تنبور اهل‌حق‌های لرستان از جهت نام و محتوا تا حدودی با رپوتوار تنبور کرمانشاه متفاوت است.

مأخذ: ابن خردادبه، عبدالله، مختار من کتاب اللہ و الملامی، بیروت، ۱۹۶۹م؛ ابن عبدربه، احمد، العقد الفرید، به کوشش احمد امین و دیگران، قاهره، ۱۳۶۸ق؛ ابن ندیم، التهرت، به کوشش فلوگل، فرانکفورت، ۲۰۰۵م؛ ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، به کوشش عبدالستار احمد فراج، بیروت، ۱۹۵۶-۱۹۶۰م؛ اسکندریک منشی، عالم آرای عباسی، تهران، ۱۳۵۰ش؛ اولیا چلبی، سیاحت‌نامه، استانبول، ۱۳۱۴ق؛ ایزدینا، حمید، «جمع‌خانه هنر و تنبورنوازی و تنبورنوازان پیروان اهل حق در لرستان»، مجموعه سخنرانیهای ششمین کنگره تحقیقات ایرانی، تبریز، ۱۳۵۵ش، ج ۱؛ بهار، مهرداد، واژه‌نامه بندمش، تهران، ۱۳۴۵ش؛ پورجوادی، امیرحسین، «نگاهی به حیات موسیقایی دوره افشاری»، فصلنامه موسیقی ماهور، تهران، ۱۳۸۵ش، س ۸، ش ۳۱؛ جهانگشای خاقان، به کوشش الله دتا مضطر، اسلام‌آباد، ۱۳۶۴ش؛ دانش‌پژوه، محمدتقی، نمونه‌ای از فهرست آثار دانشمندان